

شرایط قاضی - مذکر بودن

برگه جلسه :

صفحه 215 و 216

بررسی و نقد ادله نفی و اثبات

بررسی و نقد ادله نفی

1. ادله قرآنی

الف) بررسی و نقد استدلال به آیه: «الرجال قوامون على النساء» در گذشته¹ وجه استدلال به آیه معلوم شد و جان استدلال به این بود که: «القیومة بمعنى الولاية و تكون عامة لجميع الشؤون و ليست مختصة بالزوجية و يكون المراد من التفضيل جعل الفضيلة له تشريعاً و توكيلاً».

این استدلال سه نکته را مسلم گرفته تا به مطلوب مورد نظر خود رسیده است؛ بدین ترتیب: مفاد آیه انشاء است نه خبر.

قیمومت در آیه به دلیل تأدیه آن به «علی» نه به «باء» به معنای ولایت، تسلط در تدبیر و تأدیب و... بر همه شئون است. مراد از رجال و نساء شوهران و همسرانشان نیستند، بلکه صنف مردان و زنان مراد است.

برای وقوف بیشتر بر مفاد آیه لازم است، به کل آیه و آیه بعد توجه شود؛ بدین قرار:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً»².

(جلسه صد و یکم)

نقد

در دلالت آیه بر مراد در هر سه مرحله ای که گذشت، ملاحظاتی وارد شده یا قابل ورود است. می توان به ترتیب گفت:

1. این احتمال در آیه وجود دارد که خداوند از عهده داری مردان نسبت به امور زنان در تکوین خبر می دهد و خروج و عدم اعتنا به این احتمال وقتی میسر است که قوام به معنای صاحب ولایت و تسلط شرعی معنا شود و الا این احتمال مدافعی ندارد. این احتمال، وقتی موجه تر رخ می نماید که آن را مقدمه و زمینه برای دستورات بعد در آیه به حساب آوریم.

2. تفسیر قیمومت به آن چه در استدلال گذشت، و با آن گستره، یکی از تفاسیر و برداشتهای محتمل از آیه و این واژه است و الا برای این فرضیه رقیب دیگری هم وجود دارد.

برخی از نویسندگان فرضیه رقیب را این گونه ارائه داده اند:

«...گروهی از لغویها، عهده داری و مسئولیت در نظریه دیگر، گروهی از لغویها و مفسران، «قوام» را به معنای مدیریت و یک مسئولیت صرفاً اجرایی دانسته اند و بر این اساس مرد بر زن هیچ گونه ولایتی ندارد و قیمومت در آیه مورد بحث به معنای این است که در روابط زناشویی، مرد در مقابل همسرش مسئول و مراقب است و باید نسبت به کارها و نیازهای وی قیام و اقدام نماید: و قوله تعالی: «الرجال قوامون على النساء» یعنی برای پرداخت نفقه به آنها و مراقبت از آنها قیام می کنند. گاهی قیام به معنای محافظت و اصلاح می آید و این گونه است سخن خداوند که فرمود: «الرجال قوامون على النساء» و قوله تعالی: «الا ما

دمت علیه قائماً» آى ملازما محافظا. همانند اين معنا در لسان العرب نيز آمده است. ابن منظور آيه مورد بحث را به عنوان شاهد بر اين معنا ذکر کرده است و مى‌گويد: «قيم المرأة يعنى: زوج المرأة؛ زیرا مرد به زن و نیازمندیهای او قائم است. ایشان در جای دیگر مى‌گويد: قيم زن، شوهر اوست؛ زیرا مرد به احتياجات زن خود قيام مى‌کند و اين که در قرآن عزيز فرموده است: «الرجال قوامون على النساء به اين معناست (و الله اعلم) که مردان متکفل نیازهای زنان و کمک کار آنها در نیازهایشان هستند»³.

اين گروه معتقد نيستند که تعدى «قوامون» به «على» معين وجه اول از دو وجه مورد اشاره در آيه باشد؛ به همين خاطر كسى نسبت به كريمة: «وَمِنْهُمْ مَنْ اِنْ تَأْمَنُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ اِلَيْكَ اِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا»⁴ با اين که ماده قيام با «على» متعدى شده است، احتمال ولايت را نداده است. همچنين در كريمة: «افمن هو قائم على كل نفس بما كسبت»⁵ قائم به معنای مراقب آمده است.

از همه اين امور که بگذريم: آيه يا مخصوص شوهران و همسران است يا شوهران و همسران را نيز در بر مى‌گيرد، در هر دو حال ولايتى به معنای مطلق، مردان بر زنان ندارند و کلماتى در تفسير آيه به مثل: «يقومون عليهم آمرین ناهين، كما يقوم الولاية على الرعايا و سمو قوماً لذلك»⁶، اگر اطلاق آن مراد باشد ملتزم به فقها و قابل دفاع فقهى نيست.

(پایان جلسه)

1. ص 188.

2. سوره نساء: 34 و 35.

3. بررسى فقهى مدیریت زنان در مناصب سياسى، ص 139 و 140.

4. آل عمران: 75.

5. رعد: 33.

6. الكشاف، ج 1، ص 505.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. و ترى الارض هامدة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت و ربّت انبتت من كل زوج بهيج ذلك بأن الله هو الحق و انه يحيى الموتى و انه على كل شىء قدير و ان الساعة آتية لا ريب فيها و ان الله يبعث من فى القبور.

تبريك عرض مى‌کنم مناسبات ايام را. سوم شعبان سالروز ولادت آقا اباعبدالله ع فردا ميلاد ابالفضل العباس ع و دوشنبه ولادت امام سجاد ع. در قرآن جريانى دنبال شده است نه يك بار دو بار ده بار بيست بار شايد حدود دويست بار که ما از آن تعبير مى‌کنيم به آيت الله انگارى عالم و حوادث عالم. يعنى يك اصل راهبرى و اساسى در قرآن اين است که انسان، عالم و حوادث آن را نشانه بگيرد. نشانه از خدای بزرگ، صفات او و ... در آيه اى که خوانده شد قرآن به پديده‌ى بهار اشاره مى‌کند، مى‌فرمايد: شما زمين را در زمستان خشک و مرده مى‌بينيد، حتى شاخه‌ى درخت را راحت مى‌توانيد بشکنيد اما بهار مى‌شود، باران مى‌آيد، زمين حرکت مى‌کند، مى‌رويد و مى‌روياند، زمين سرسبز مى‌شود، آب‌ها جارى مى‌شود. انسان هاى هستند که فقط همين را مى‌بينند اما آن جريانى که قرآن دنبال مى‌کند اين است که اين مطلب بايد آيت اين امور باشد: بفهميد

که ان الله هو الحق. یعنی اولاً بفهمید که خدایی است، مبدأئی است (شما را متوجه کند به مبدأ) اگر یک اثر باستانی دیدید فقط به آن اثر اکتفا نکنید و بگویید به به بلکه از آن اثر پی ببرید به معمار و بگویید آفرین بر آن معماری که این بنا را ساخت و برخی بر روی معمار هم توقف نمی کنند و می روند تا خدای معمار خدایی که فلانی را آفرید که او بتواند این اثر را ایجاد کند. ذلک بأن الله هو الحق هم به وجود خدا پی ببرد و هم این که خدا در جای حق نشسته است، نزه ای باطل و ناسنجیده کاری در آن ساحت نیست، نشان از دو چیز است: یک مبدأ و دو مبدأ هو الحق. سه و انه یحیی الموتی اوست که مردگان را زنده می کند. طبیعت مرده را زنده می کند. چهار و انه علی کل شیء قدير و ان الساعة آتیة لا ریب فیها (اگر ساعت را به قیامت معنا کنیم) هیچ فرقی نیست بین زنده شدن انسان ها و زنده شدن طبیعت. هر مقدار انکار آن توجیه دارد انکار آن هم توجیه دارد و هر مقدار که باور حیات طبیعت بعد از مرگ آسان است باور قیامت هم باید آسان باشد، لذا یک انسان هشتاد ساله هشتاد بار قیامت را دیده است. البته یک احتمال هم این است که مراد از ساعت قیام مهدی موعود باشد. این مطلب قرائنی هم دارد که در جای خودش باید ذکر شود و قیامت را بعداً ذکر می کند (و ان الله یبعث من فی القبور) البته اصراری بر این معنا نیست. در دنیا یک بهار واقعی بیشتر نیست و نسبت به آن بهار می شود گفت بهاری نیست و آن هم زمانی است که امام عصر صلوات الله علیه ظهور کنند برای این بهار باید دعا کنیم. خوب است که به گونه ای زندگی کنیم که سرباز آن بهار و صاحب آن بهار باشیم. این قضایایی که الآن در کشور ما می گذرد خیلی از مطالب و واقعیات را نشان داد. یکی از آن ها این است که ثابت کرد: دنیا صاحب ندارد. احتمالی که الآن وجود دارد که این و ویروس ساخته ی دست بشر باشد و یک منشأ انسانی داشته باشد معلوم می شود دنیا خیلی بی سر و صاحب است، اگر طبیعی هم باشد دنیا مانده است و همه ی دنیا را به ریخته است البته انشاءالله به فضل خدا بشر این ویروس را کنترل می کند و کسی نمی خواهد از این عجز ابراز خوشحالی کند ولی ثابت شد که دنیا صاحب می خواهد، صاحب الزمان می خواهد، صاحب الملک می خواهد اوست که می تواند اگر منشأ انسانی دارد ستمگر را سر جایش بنشانند و اگر هم منشأ طبیعی دارد بشر به جایی برسد که بتواند بر طبیعت مسلط شود. امیدواریم فرجش معجل باشد، سال نو را با یاد امام زمان شروع کردیم. امیدواریم که سرباز ایشان باشیم با رعایت تقوا، با کسب علم با تبلیغ دین امام زمان.

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که شروع کرده بودیم این بود: بعد از یک سری مقدمات به سراغ ادله ی کسانی رفتیم که گفته اند تصدی زنان چه در پست قضاوت و چه در پست های دیگر ممنوع است. ابتدا از قرآن شروع کردند اولین آیه هم «الرجال قوامون على النساء» بود. ما گفتیم اگر بخواهد این آیه به کار ما بیاید باید سه جهت در آن لحاظ شود: اولاً باید آیه در مقام انشاء باشد نه خبر. الرجال قوامون یعنی در شریعت مطهر این ها باید قوام باشند. دوم قوام معنای سیطره، تسلط، ولایت، حق امر و نهی بدهد. سوم: آیه فقط مربوط به زنان و شوهرانشان نباشد بلکه مربوط به جنس زن و مرد باشد. این سه مرحله را خیلی ها به راحتی طی کرده اند. مثلاً اگر شما میزان را نگاه کنید یا برخی کتاب های فقهی را نگاه کنید این مطلب را خواهید دید.

ما عمده دلیلی که از مخالفان تصدی زنان داریم همین آیه است. اگر کسی بتواند آیه را به صورت فنی پاسخ دهد به نظر من پاسخ به بقیه ی ادله سخت نیست. چنانکه اگر قبول کند همین یک آیه کافی است و نیاز به هیچ دلیل دیگری نیست. نقد و بررسی مقدمات سه گانه

راجع به مقدمه ی اول آیا واقعا می توانیم قسم بخوریم که آیه در مقام انشاء است؟ اگر کسی احتمال دهد (چون احتمال کافی است برای مخالف البته نه احتمال خلاف ظاهر و نیش قولی) که این آیه از یک فرایند تکوینی خبر می دهد در مورد امور زنان. یعنی از یک واقع خارجی خبر می دهد که مردان به دلیل برتری جسمی (توان بیشتر) یا عقلی، توان مدیریتی بالاتر، آگاهی بیشتر، آینده نگری بهتر بر زنان تسلط دارند. اگر کسی بگوید این احتمال چه دافعی دارد؟ نه این که قرآن بخواهد بفرماید: در شریعت مطهر مردان باید بر زنان قوام باشند و زنان غیر قوام باشند. اگر بگوییم این آیه از یک واقع خارجی خبر می دهد که مردان به خاطر این برتری هایی که دارند و به خاطر پولی که می دهند (به هر حال کسی که پول می دهد یک تسلط هایی هم دارد) قوامیت دارند بر زنان.

اگر کسی بگوید این خبر چه فایده ای دارد؟ پاسخ این سؤال را می دهیم. بعد هم از زنان صالحه خبر می دهد که آن ها چه جنس

زنانی هستند (آن حتما خبر است و ظهور در خبر دارد) بعد می گوید اگر یک زنی بود که اطاعت نکرد کذا و کذا. پس ممکن است کسی این احتمال را بدهد که «الرجال قوامون على النساء» دارد زمینه ی آن گزارش های بعد را آماده می کند نه این که از همان اول انشاء حکم باشد. نمی گویم آیه ظهور دارد چون مخالف استدلال به این آیه نیاز به اثبات ظهور ندارد بلکه نیاز به ابدای احتمال دارد. ممکن است ما بعدا این احتمال را رد کنیم ولی فعلا می خواهیم آن را مسلم بگیریم و احتمال خبر بودن را هم بیان کنیم. حداقل این انشاء انگاری آیه نیاز به بیان دارد. جناب آقای علامه و دیگر فقها که به این آیه استدلال کرده اید شما این را باید توضیح دهید که آیه در مقام انشاء است.

مقدمه ی دوم این بود که قوامون در آیه به معنای تسلط، ولایت در تدبیر، داشتن حق امر و حق نهی، حق اطاعت شدن معنا کنیم. اما یک معنا برای قوام محافظ بودن است، مدیریت، مراقبت، عهده دار شدن، الرجال قوامون على النساء یعنی مردان مراقبت از زنان را دارند (در حد خودشان) محافظ هستند، مسئولیت اجرایی در خانه دارند، ابن منظور در لسان العرب می گوید: قيم المرأة قيم زن شوهرش است زیرا مرد به زن و نیازمندی های او قائم است و از او محافظت می کند، متکفل نیازهای زن است. ذیل آیه ی «و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک» برخی از اهل کتاب هستند که اگر یک دینار به آن ها امانت دهی، میدزدند، انکار می کنند و خیانت می کنند «الا ما دمت علیه قائما» مگر تا وقتی که شما بر او قائم باشی. قائم باشی یعنی چه؟ یعنی ولایت داشته باش؛ یعنی ملازم و مراقب باشی که ندزدد و انکار نکند و الا به تو نمی دهد. برخی گفته اند: «قائم» زمانی که با «علی» استعمال شود به معنای ولایت است و اتفاقا در این آیه هم با «علی» استعمال شده است اما به معنای ولایت هم نیست. یا در آیه ی دیگر دارد: «أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت» یعنی آن چه انجام می دهد را حفظ می کند، مراقبت می کند. «قیام علی» گاهی به معنای ولایت و تسلط می آید اما اینطور نیست که حتما لازم باشد که معنای ولایت دهد. از این جا به کلامی از مثل زمخشری در کشف (جلد یک صفحه 505) پی می بریم که می گوید: یقومون علیهن آمرین ناهین. حق امر دارند حق نهی دارند کما یقوم الولاة علی الرثایا و سموا قوما لذلک اگر به آن ها می گویند قوام به همین دلیل است. حرف ما با ایشان این است که این معنا یکی از معانی است نه تنها معنا، از کجا شما این را ادعا می کنید؟ و حتما هم اگر این طور بخواهیم بگوییم ما التزام به فقهی نداریم یعنی هیچ فقهی نمی گوید مرد حق امر و نهی بر زن دارد چه زن خودش و چه زنان خودش.

پس این آیه را یا مخصوص زن و شوهران می دانید و یا برای جنس زن و مرد.

اگر ببرید بر روی زن و مرد در خصوص زنان و شوهرانشان آیا می توانید بگویید این ها حق امر و نهی دارند؟ متوجه باشید که نمی توانیم بگوییم بلکه مگر در مواردی که استثنا شده است چون به اندازه ای استثنا دارد که نمی توانیم آن را اصل قرار دهیم. یک مواردی است که مرد حق دارد به زن امر و نهی کند مثل این که بگوید از خانه خارج نشو آن هم با شرایطی که دارد. یعنی اگر این آیه برای مردان و زنان باشد و قوامون به معنای آمرین، ناهین باشد التزام به فقهی ندارد (چه شیعه و چه سنی) لذا مواردی را می شمارند که زن باید تمکین کند، نباید از خانه خارج شود، باید از بدنش ازاله ی منفرات کند اما این که چی بخور چه نخور چی بگو چی نگو و ... در حوزه اختیار مردان نیست اما نکته ای دارد که بعدا من عرض می کنم.

اگر گفتیم مراد از الرجال قوامون على النساء جنس مردان و جنس زنان است، آیا می توانیم فتوا دهیم؟ یعنی بگوییم جنس مردان بر جنس زنان ولایت دارند. یعنی تک تک مردان بر تک تک زنان؟ یعنی عموم مردان بر عموم زنان؟ می توانیم این ها را ملتزم بشویم؟ یکی از مقدماتی که بیان کردیم این بود که ما هر حرفی زدیم باید ببینیم می توانیم ملتزم فقهی شویم یا نه؟ التزامات فقهی مسلم را باید در نظر گرفت و بعد یک آیه یا روایت را معنا کرد.

پس این مقدمه ی دوم تمام نیست. از این آیه تسلط مردان بر زنان استفاده نمی شود. ما این ها را در بخش نقد بیان می کنیم نه تحقیق. اگر چه ممکن است بعدا همین نقدها را تأیید کنیم ولی الآن در مرحله ی نقد هستیم.

مقدمه ی سوم: ممکن است کسی بگوید اگر این آیه مخصوص خانواده هم باشد به اولویت بر غیر خانواده هم دلالت می کند. اگر مردان در امور خانه بر زنان مسلط هستند و زنان باید اطاعت پذیر باشند پس در امور اجتماعی به طریق اولی باید مسلط باشند، این هم باید تمام باشد و اگر کسی بگوید فقط دلالت بر مردان و زنان می کند و اصلا اولویتی هم ندارد این مقدمه ی سوم هم راهش بسته می شود.

الحمد لله رب العالمین